

رسانه

کرونا و روزنامه‌نگاری بحران



پژمان موسوی

● بالاخره بعد از تأیید و تکذیب‌های فراوان، مقامات مسئول در دولت به طور عام و وزارت بهداشت به طور خاص، ابتلاي چند نفر از شهروندان ایرانی به کرونا را تأیید کردند و با اعلام این خبر، افکار عمومی جامعه ایرانی به‌تأمینی درگیر یک «بحران واقعی» و در عین حال، تازه شد؛ بحرانی که به دغدغه اول ایرانیان در این روزها تبدیل شده است و پیش‌بینی می‌شود در روزهای آینده این بحران ابعادی جدی‌تر و گسترده‌تر هم به خود بگیرد. اما پرسش بزرگ این بحران چیست؟ راه‌های کنترل؟ شیوه‌های پیشگیری؟ نحوه مواجهه با فرد مبتلا؟ همه اینها مهم هستند اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین پرسش و دغدغه در این «بحران واقعی»، نحوه اطلاع‌رسانی، پوشش خبری و چگونگی مواجهه با این بحران از منظر رسانه‌ای است. در واقع پرسش اصلی این است که روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها چه وظیفه‌ای برای آمدگی افکار عمومی در مواجهه با این «بحران واقعی» دارند؟ در این فضای پرچاشبیه که آبدستن بروز شایعات جدی است، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها چگونه می‌توانند نقش حرفه‌ای خود را در این‌باره ایفا کنند و از بروز فضای «شایعه» و «دروغ» درباره این بحران جلوگیری کنند؟ اتکا به «فکت» و گزارش‌های میدانی، تماس با منابع معتبر و انتشار دقیق آمار و اطاعات، گرچه بسیار مهم و ضروری است، اما ابعاد این بحران فراتر از چیزی است که با این شیوه‌های معمول بتوان به مقابله و مواجهه با آن رفت، راه حل فقط و فقط «روزنامه‌نگاری بحران» و عمل به قواعد آن است. گرچه روزنامه‌نگاری بحران، سبک و روشی پرکاربرد و آشنا برای جامعه روزنامه‌نگاری ایران نیست و کمتر روزنامه‌نگاری را می‌توان پیدا کرد که روزنامه‌نگاری بحران کرده باشد، اما به نظر می‌رسد حلقه مفقوده مواجهه با بحران‌های واقعی همچون «کرونا»، همین روزنامه‌نگاری بحران است. در روزنامه‌نگاری بحران، مهم‌ترین فاکتور، آگاهی از گذشته و چشم‌انداز آینده آن بحران است. یعنی روزنامه‌نگار باید بتواند تصویری دقیق، کامل و مستند از سبقه و سابقه بحران در اختیار داشته باشد و آن را با افکار عمومی در میان بگذارد؛ بی‌کم‌وکاست و بی‌حذف و سانسور. روزنامه‌نگار همچنین با توجه به شواهد موجود و گفت‌وگو با آگاهان و کارشناسان خبره، باید بتواند چشم‌اندازی از آن بحران را برای مخاطب ترسیم کرده و به او بگوید این بحران به چه سمت‌وسویی رفته و چه آینده‌ای برای آن متصور است. درباره «بحران واقعی» کرونا، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای وظیفه دارند این قواعد دقیق و درست روزنامه‌نگاری بحران را بی‌کم‌وکاست اجرا و گذشته و آینده این بیماری را برای مردم روشن و شفاف کنند. روزنامه‌نگاران باید بی‌آنکه مردم را بترسانند و آنان را وحشت‌زده کنند، فعالیت‌ها بر فضای رسانه‌ای حاکم کنند و خرد را جای ناآگاهی بنشانند. مهم‌تر از آن، روزنامه‌نگاران باید اعتماد مردم را به دست آورده و با انتشار اخبار درست و دقیق، از آنها بخواهند از گسترش شایعات در سطح جامعه جلوگیری کنند. این امر این روزها ضرورت بیشتری هم دارد چراکه به گسترش فضای مجازی و ترویج گروه‌های خانوادگی، مردم در معرض شایعاتی گسترده قرار دارند و شایعه و دروغ هم هرچه در فضای مجازی بزرگ‌تر، انتشار و همه‌گیری آن بیشتر. از این‌رو روزنامه‌نگاری بحران این روزها نه‌فقط در رسانه‌های رسمی که در فضای مجازی هم باید جدی گرفته شود و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به هیچ‌روی نباید فقط به انتشار گزارش‌ها و تحلیل‌های خود در رسانه‌های رسمی بسنده کنند و باید تلاش کنند در فضای مجازی نیز ورودی جدی داشته و این حوزه را نیز از این حیث مدیریت کنند. می‌ماند یک نکته مهم: روزنامه‌نگاری بحران حد فاصل «بحران» و «امید» است؛ بحران را می‌بیند، با فکت درباره آن سخن می‌گوید، به مردم هشدار می‌دهد، واقعیات را عریان با آنها در میان می‌گذارد اما در همین حین «امید» را هم بین آنها زنده نگه می‌دارد. نه امید پوچ بلکه امیدی که دقیقاً انرژی گذار از بحران به بازگشت به شرایط نرمال و عادی است؛ امیدی که همه‌چیز را سیاه و تلخ نمی‌بیند و زندگی حین و پس از بحران را هم می‌بیند. شاید برای همین همه هست که روزنامه‌نگاری بحران غایب همیشگی ماست. مایه که با همه‌چیز را سیاه و تلخ می‌بینیم یا به مردم دروغ می‌گوییم و همه‌چیز را از اساس کتمان می‌کنیم؛ اینکه همه بتوان بحران را دید، هم با آن کنار آمد و هم امید را در همه حال زنده نگه داشت، فقط روزنامه‌نگاری بحران است و بس.

شترت روزنامه

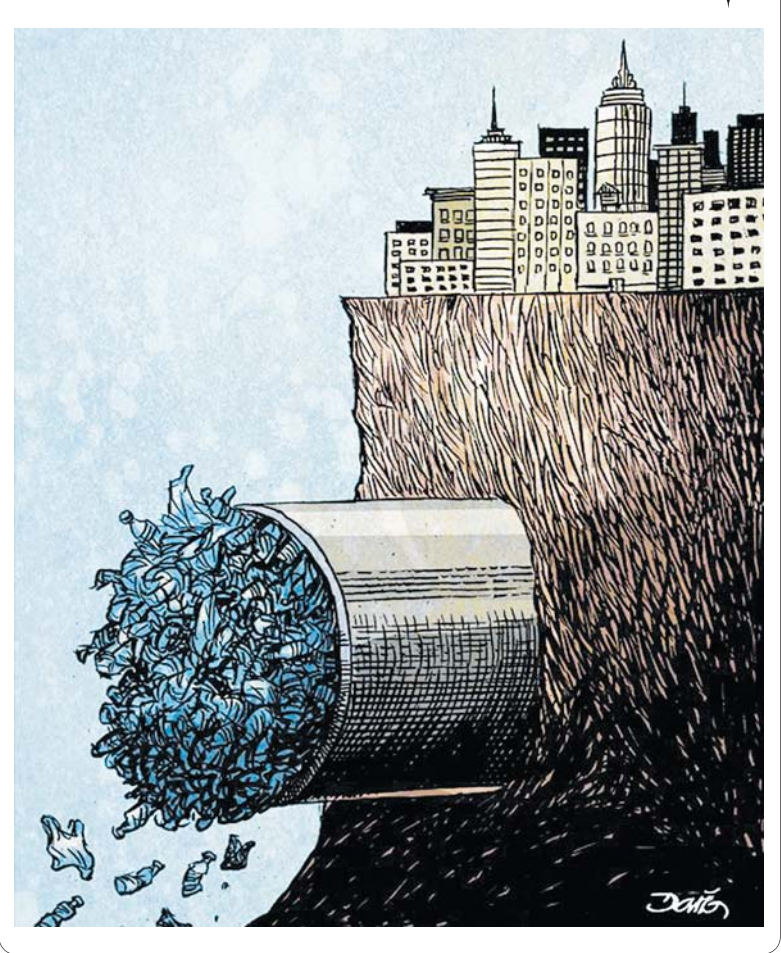
www.sharghdaily.ir

شنبه ۳ اسفند ۱۳۹۸ • ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ • ۲۲ فوریه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۲۶۵۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنارخرا

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس



دغدغه‌های یک آموزگار

کرونا و یروس اجتماعی – سیاسی

مشکوکی و وسواس شده است خوره جانت! بیش و پس از رفتن به هرجا هزاران اماواکر و شاییدباید و پرسش از ذهن می‌گذرد که چه پیش خواهد آمد و چه بلایی انتظارت را می‌کشد و ... آری این روزگار کنونی ماست با کرونا ویروس فیزیولوژیک.

اما چندسالی هم هست که گرفتار کروناویروس دیگری هم شده‌ایم! فضای مجازی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات را بیش از هر زمانی گسترش داده و باعث شده که کم‌وبیش هیچ خبری پنهان نماند. پیش‌فرض و البته تجربه ما شهروندان از می‌شوی از همه دور بایستی و گفت‌وگو و گاه درددل کنی! حس بدی است که دانش‌آموزت را ببینی و مثل همیشه دستی بر شانه‌اش نکشی و گرم و بدون ماسک

به چهره‌اش بخندی. حس بدی است که همه مردم را بیمار بدانی و مدام از همه دوری کنی! حس بدی است که ویروس‌کشنده‌ای روی دستگیره‌های در و صندلی مترو و فرمان اتومبیل و حتی روی دستانت، لایه‌ای الیاف لباس و از آن بدتر در درونت می‌جنبد و می‌خواهد تو و دیگران را زمین‌گیر کند و بلکه بکشد! ویروسی که چپ‌سا زبانه لال نزدیک‌ترین کسانت را با نهایت سنگدلی زیر خوراه خاک بفروست. احتمالاً چندروزی است که این حس بد همراه همه‌مان هست و از درون چنگکمان می‌زند و واردامان می‌کند در سکوت فریاد بزنییم و ... نتیجه‌اش شده عدم اعتماد به دیگران و حتی به خودمان! به همه‌کس و همه‌چیز



خودت می‌چنگی که کدام خبر درست و کدام نادرست است. در تحلیل خبرها و پیش از آنکه به خبر توجه کنی، به گوینده و منبعش توجه می‌کنی؛ و این شده آزار همیشگی‌مان برای داشتن یک زندگی آرام و بی‌استرس!

اکنون که این یادداشت را می‌نویسم، فضای خبری پر است از همین ابهام‌های آزاردهنده.

حرف درشت

تماس هستند و از نزدیک در تهدید بیماری قرار می‌گیرند، بقیه مردم به استفاده از ماسک نیازی ندارند. ● **اول اسفند، ایرنا:** به گزارش روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی قم، محمدرضا قدیر افزود: نیازی به استفاده از ماسک از سوی همه مردم نیست، بلکه افرادی که با بیمار در ارتباط هستند؛ ازجمله همراهان و کادر پزشکی یا افرادی که مشکوک به این ویروس هستند، باید از ماسک استفاده کنند. وی اضافه کرد: این بیماری کشنده‌تر از آنفلوآنزا نیست، ولی مراقبت و رعایت بهداشت فردی در جلوگیری از همه‌گیری بسیار مهم است. ● **۲ اسفند/ خبرگزاری مهر:** مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو غلامحسین مهرعلیان گفت: در روزهای اخیر شاهد مراجعه پرتعداد مردم برای تهیه

زندگی کولبران در یک سال گذشته هم با تراژدی‌های فراوانی همراه بود. اگرچه به نظر می‌رسید در این دست موارد روی‌دادن یک واقعه دردناک موجب شود تا حرکتی ملی برای پایان‌دادن به این وضعیت بحرانی شکل بگیرد. اما در این مورد جریان در مسیر عادی‌شدن و روزمرگی در حرکت است. به این ترتیب که بعد از مرگ تراژیک فرهاد خسروی، کولبری که در اواخر آذر ماه سال ۱۳۹۸ یخ زد و جان سپرد، انتظار می‌رفت تلاشی برای حل معضل کولبرها اتفاق بیفتد، اما اگر اخبار را دنبال کنید می‌بینید که از آذر ماه امسال تا کنون هم چند کولبر دیگر در کوهستان‌های غرب ایران جان باختند. این‌ا آمار چیزی غیر از کولبرانی است که هدف شلیک گلوله قرار می‌گیرند. بعد از مرگ فرهاد خسروی حداقل سه حادثه بزرگ دیگر هم برای جامعه کولبران ایرانی رخ داد. ۱۳ بهمن‌ماه یک کولبر گرد در ارتفاعات روستای میشیاو گرفتار کولاک شد و در سرمای کوهستان جان باخت. آخرین روز بهمن امسال هم تأیید شد

که «شاهد اداک» و «احمد صحرایی»، دو جوان ۲۴ و ۲۰ ساله که از سه روز قبل در ارتفاعات نوسود کم شده بودند، جان باخته‌اند. در اواسط بهمن هم یک گروه ۲۳ نفره از کولبران سقزی در کولاک کوه‌های کردستان گرفتار شدند و به کمک تیم‌های امدادی، نجات پیدا کردند. همه آن حوادث در فاصله زمانی بعد از مرگ فرهاد خسروی رخ داد؛ حادثه‌ای که حتی واکنش وزیر کشور را هم در پی داشت. بعد از حادثه کوه ژالانه و برانگیخته‌شدن احساسات عمومی و واکنش‌های فراوان در جامعه رحمانی‌فضلی، وزیر کشور در دستور ویژه‌ای از دبیر شورای امنیت پایدار شرق و غرب کشور خواست تا بررسی‌های لازم و کارشناسی برای رسیدن به راهکارهای عملیاتی ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزنشینان را انجام دهد؛ «دستوری که در کوتاه‌مدت حداقل نتیجه‌ای نداشت و حاصلش فقط شنیدن روزمره اخبار مرگ‌ومیر کولبران در کوهستان هاست. سال ۱۳۹۸ برای کولبران مثل چند سال گذشته و با درد و رنج همیشگی و البته با ثبت یک رکورد دردناک پایان یافت؛ مرگ فرهاد خسروی به عنوان جوان‌ترین کولبر ایرانی!

وعده‌تکراری اشتغال پایدار

سال‌هاست که از لزوم ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزی سخن گفته می‌شود. با این حال، وضعیت در این مناطق تغییر چندانی نکرده است و آمار مرگ کولبران با سرعتی رو به افزایش در رسانه‌ها منتشر می‌شود. کولبری محصول چندین متغیر سیاسی و اقتصادی برچالش در کشور است. آنچه در این سال‌ها با آن مواجه بودیم، تلاشی برای آسان‌سازی شغل کولبری ازطریق مطرح‌شدن طرح‌هایی مانند «ساماندهی کولبران» در سراسر کشور بوده نه تلاشی برای آزین‌بردن کولبری و ایجاد اشتغال برای اهالی منطقه که از تنگدستی و فشارهای اقتصادی به این شغل سخت‌ن‌ت می‌دهند. حسین راغفر چندی پیش در نشست تخصصی بررسی کولبر و کودکان با عنوان «چونیدگان نان به قیمت جان» در این زمینه گفته بود: «قانون اساسی عملاً دولت را به نمایندگی از حاکمیت مکلف کرده است که مسکن، خدمات سلامت، آموزش و... را برای آحاد جامعه فراهم کند. به این ترتیب، قانون اساسی به عنوان میثاق دوجانبه بین مردم و حاکمیت است و انتظار

گزارش سال

کولبران و تراژدی مرگ در کوهستان

می‌رود که به شکل دوطرفه نیز برقرار باشد، در آن صورت است که می‌توان انتظار داشت مردم نیز به ارزش‌های دولت وفاداری نشان دهند و نسبت به ارزش‌های اجتماعی تعلق خاطر داشته باشند. آنچه بعد از جنگ تحمیلی در کشور شکل گرفت نوعی تغییر در جمهوری اسلامی ایران است و ما شاهد این هستیم که تعهدات دولت نسبت به مردم تضعیف می‌شود و گاه نادیده گرفته می‌شود. این روزها که شاهد محصول این بی‌توجهی‌ها و نادیده‌گرفتن تعهدات در قبال مردم در اشکال مختلف اعتراض‌ها و ناسامانی‌های اجتماعی هستیم، تنها راه‌حل برای فقر و مواجهه با این پدیده بازگشت به قانون اساسی است. حاکمیت باید به تعهدات قانون اساسی پایبند باشد، در غیر این صورت، پیامد آن پدیده‌هایی است که در آبان ۹۸ شاهد بودیم. پدیده‌ی دی ماه ۹۶ و همین‌طور آبان ۹۸ هر کدام حکایت از گسترده‌ترشدن پیامدهای بی‌توجهی مسئولان به سیاست‌های فقرزدایی در کشور است.»

تابستان امسال بود که دستور رئیس‌جمهور درباره توسعه معیشت مرزنشینان به هفت وزارتخانه و معاونان رئیس‌جمهور و روسای سازمان‌های برنامه‌بودجه و اداری و استخدامی کشور و رئیس کل بانک مرکزی ابلاغ شد؛ طرحی که به گفته بابک دین‌پرست، معاون اقتصادی وزارت کشور و دبیر شورای توسعه و امنیت پایدار شرق و غرب کشور، شامل ۳۱ مورد پیشنهاد اجرایی، در قالب تکالیف ۱۲ دستگاه اجرایی مرتبط بود. با این حال، وضعیت در مناطق مرزی چنان است که با نزدیک‌شدن به عید نوروز و برای تأمین هزینه‌های عید شاهد بالا رفتن آمار عبور و مرور کولبران در معابر رسمی و غیررسمی و در نتیجه بالاتر رفتن آمار مرگ‌ومیر آنها هستیم. عثمان مزین، فعال اجتماعی آمار مرگ‌ومیر کولبران در سال گذشته ر ۲۵۰ نفر عنوان کرده است.

طرح ممنوعیت شلیک مستقیم به کولبران در مجلس

سال ۱۳۹۸ را یک رویداد دیگر برای کولبران همراه بود؛ طرحی که از عنوانش هم می‌توان مسیر اشتباه نگاه مسئولان و سیاست‌گذاران کشور به مسئله کولبری را درک کرد. در دی ماه امسال نماینده مردم پیرانشهر در مجلس شورای اسلامی از ارائه طرح دوفوریتی «ممنوعیت شلیک مستقیم به کولبران» خبر داد. رسول خضری در این زمینه گفته بود: «سال‌هاست در مناطق مرزی تعدادی از کولبران به‌دلیل سرمازدگی، ریزش بهمن یا تیراندازی مأموران کشته یا زخمی می‌شوند. بنابراین ما به‌منظور جلوگیری از کشته و زخمی‌شدن آنها برای تأمین معیشتی حداقلی خانواده و به‌منظور پیشگیری از تیراندازی غیرضرور طرحی را به قید دوفوریت تهیه کرده بودیم که در نوبت بررسی طرح‌های دو فوریتی در مجلس قرار داشت.»

همان گاهی که قصد ندارد در مناطق مرزی شغل پایدار و اقتصاد شکوفا ایجاد کند، تنها تلاش می‌کند مسیر را برای کولبری فراهم کند و به کولبران اجازه دهد با مشقات کمتری روزگار بگذرانند. به این ترتیب در صورتی کولبران می‌توانند خوشحال باشند که اگر از سرما و بوران و یخ‌زدن در کوهستان فرار کردند دیگر حداقل هدف شلیک مستقیم گلوله قرار نمی‌گیرند.

چراغ خاموش

فرمول همیشگی مواجهه با بحران‌ها

کرد که دو مورد مثبت ایثلا به کرونا در قم شناسایی شده. دو ساعت قبلش معاون وزیر بهداشت در مصاحبه‌ای با ایرنا اعلام کرده بود که هیچ موردی از کرونا در ایران مشاهده نشده. نقل‌قولی که از «علیرضا رئیسی»، معاون بهداشت وزیر بهداشت در یک ماه گذشته و بارها و بارها مشابهش را در خبرگزاری‌ها دیدیم. اما یکبار و از زمان اعلام اولین نمونه‌های مثبت در ایران شاهد انتشار اخبار زیادی درباره کرونا در ایران بودیم؛ دو مورد مرگ در قم که گویا بعد از فوت‌شان بیماری‌شان تشخیص داده شد، نگرانی‌هایی را درباره گستره شیوع این بیماری در کشور ایجاد کرد. اعلام رسمی اینکه یکی از شش نفر مبتلایان به کرونا در کانادا زنی بود که یک ماه پیش از ایران با کانادا رفته هم نشان می‌دهد شیوع آن ویروس در ایران از همان روز چهارشنبه اتفاق نیفتاده است. همین سیل اخبار در سه روز گذشته و گسترش وحشتناک دامنه کرونا در کشور موجب شد تا نگرانی‌های بسیاری در کشور در این زمینه ایجاد شود. برای خیلی‌ها قابل پذیرش نیست که اخبار کرونا یکباره و از همین آخر هفته سر از رسانه‌ها درآورده و همین مسئله بی‌اعتمادی را در میان مردم دامن می‌زند. به ویژه در این مورد خاص که برای مهار بیماری و جلوگیری از انتشار بیشتر آن بیش از هر چیزی به مشارکت مردمی نیاز داریم. لازمه جلب مشارکت عمومی و همراهی مردم در وضعیت‌های بحرانی یکی هم این است که به آنها اطلاعات درست و دقیقی از آن اتفاق داده شود. این موضوع موجب می‌شود تا اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی که مسئولیت رسیدگی به امور را دارند بیشتر شده و حداقل مشارکت آنها برای کارها را جلب کند.

یادداشت

صدای کولبران شنیده نمی‌شود مگر...



کامل دلپسند
جامعه‌شناس مرز
و توسعه منطقه‌ای

● مسئله اجتماعی کولبران در جامعه ایرانی بیش از چندین سال است که به طور نامنظم و متناوب شنیده می‌شود. وجه مشترک هر بار رسانه‌ای شدن موضوع به این گسترده‌گی در مناطق مرزی غرب کشور تنها مرگ کولبران است؛ این مرگ چه از طریق سرمازدگی، چه به‌واسطه ریزش بهمن یا از طریق استفاده از حق تیر مستقیم یا غیرمستقیم نیروهای مرزبانی باشد، سؤال اصلی این است که چرا باید مسئله‌ای به این گسترده‌گی با پیامدهای ناخواسته اجتماعی زیادی که در نمایان ناکارآمدی مسائل مناطق مرزی غرب کشور دارد و تولیدکننده بخشی از واگرایی شهروندان مناطق مرزی است، هنوز حل نشده یا حداقل اقدامات انجام‌شده در همه بخش‌های سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، رویکردها و راهبردهای حل آن در اختیار جامعه قرار داده نشده و طوا بعد از فراموشی رسانه‌ای موضوع جزء اولویت‌های عملیاتی نظام تصمیم‌گیری نخواهد ماند؟ چنین به نظر می‌رسد که همچون بسیاری از مسائل اجتماعی ایران متولی اصلی حل این موضوع چندنهادی است. همچنان که قبلاً اشاره کرده‌ام، مسئله کولبری نباید صفت معیشتی و شغلی مناطق مرزی باشد بنابراین حذف این صفت نامیمون مناطق مرزی با وجود ثروت زیاد محلی مبتنی بر ظرفیت منطقه‌ای می‌تواند از چندین وجه اقداماتی و سیاستی مورد توجه قرار گیرد، مهم‌تر از این مسائل اجتماعی ایران متولی اصلی حل این موضوع چندنهادی است. همچنان که قبلاً اشاره کرده‌ام، مسئله کولبری نباید صفت معیشتی و شغلی مناطق مرزی باشد بنابراین حذف این صفت نامیمون مناطق مرزی با وجود ثروت زیاد محلی مبتنی بر ظرفیت منطقه‌ای می‌تواند از چندین وجه اقداماتی و سیاستی مورد توجه قرار گیرد، مهم‌تر از این استدلال که مسائل محلی از نگاه متخصصان و مطلعان کلیدی محلی، فهمی بر اساس دانش محلی مبتنی بر تجربه تاریخ توسعه محلی است، نکته بعدی اینکه حل مسئله کولبری نیازمند نگاه سیستماتیک تقسیم‌بندی‌شده از حیث زمان اجرا، از حیث ماهیت اقدامات و از حیث رویکرد و مجری اقدامات به تفکیک مراکز فضایی است. بر این اساس می‌تواند به لحاظ زمانی از اقدام عاجل تا کوتاه‌مدت و بلندمدت را شامل شود. از حیث اقدامی، توسعه زیرساخت‌ها، طرح‌های سرمایه‌گذاری و طرح‌های حمایت باشد و از حیث رویکرد با نگاه حل مسئله بلندمدت خواهد بود با نا نگاه ساماندهی که عمدتاً هم ناکارا بوده؛ در حالی که بیشتر تمرکز آن روی کاهش مرارت بوده است. آنچه در مسئله کولبری بیشتر نمایان است، این است که از حیث مجری به لحاظ تعدد متولیان نهادی تصمیم‌گیری اینکه دولت باشد یا بخش خصوصی یا سم‌ها، اختلاف نظر به لحاظ امنیتی‌دیدن مناطق مرزی وجود دارد و نکته آخر اینکه از همه مهم‌تر، ضرورت دارد با توجه به تعدد مراکز فضایی کولبران، نگاه حل مسئله‌ای مبتنی بر ظرفیت‌محوری متفاوتی می‌طلبد. کولبری در منطقه مرزی پیرانشهر و سردشت با کولبری در میوان، بانه، پاوه و جوانرود به جهت رسمی‌بودن معابر رسمی و غیررسمی و نیز شهرهای درگیر از کودکان، زان، تحصیل‌کردگان و کهن‌سالان کاملاً متفاوت است. بنابراین لازم است که هر گونه سیاست‌گذاری به تفکیک مراکز فضایی صورت گیرد. از نظر نگارنده به نظر می‌رسد نگاه مقطعی به پدیده کولبری تنها با رسانه‌ای‌شدن مرگ کولبران، پیامدی اجتماعی جز زنده‌شدن واگرایی، زنده‌شدن ناکارآمدی در حل مسئله و زنده‌شدن بی‌تفاوتی دولتمردان و نهادهای متولی ندارد. حذف کولبری متولی مسئولیت‌پذیری را می‌خواهد که امکان اجماع در شیوه حل مسئله را در فرایند زمانی مشخص با رویکرد حذف نگاه شغلی در این مناطق داشته باشد.

روزنه

آزمایشگاه‌های خصوصی تست کرونا انجام می‌دهند؟

● **شرق:** اگرچه در روزهای گذشته برخی آزمایشگاه‌های خصوصی در شبکه‌های اجتماعی به تبلیغ درباره تست ویروس کرونا پرداختند اما وزارت بهداشت می‌گوید هیچ آزمایشگاه خصوصی‌ای تجهیزات این آزمایش را ندارد و تبلیغات کلاه‌برداری است. در این‌باره «علیرضا وهاب‌زاده» مشاور رسانه‌ای وزیر بهداشت در توییت نوشت: «هیچ آزمایشگاه خصوصی‌ای امکان انجام تست کروناویروس جدید را ندارد و هرگونه ادعا در این خصوص کلاه‌برداری است». این توضیحات در حالی است که همچنان برخی آزمایشگاه‌های خصوصی مدعی انجام آزمایش کرونا هستند و با این روش به تبلیغ برای خود می‌پردازند. در این‌باره البته تجهیزات لازم در چهار مرحله به کشور رسیده‌است و دیروز مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت از دریافت چهارمین محموله کیت‌های تشخیص این بیماری خبر داد. این کیت‌ها از سوی سازمان جهانی بهداشت به ایران ارسال شده است که امکان تشخیص و بررسی این مشکوک به علائم این ویروس باید به بیمارستان‌های معتبری مراجعه کنند که در آنجا آزمایش‌های لازم انجام خواهد شد.